

سومین کنفرانس اروپایی ایران‌شناسی

هاشم رجب‌زاده

از دانشگاه مطالعات خارجی اوساکا

جلوه‌گاه رخ‌او دیده‌ی من تنها نیست
ماه و خورشید هم این آینه می‌گردانند
(حافظ)

سومین کنفرانس انجمن ایران‌شناسی اروپا (Societas Iranologica Europaea) روزهای ۱۱ تا ۱۵ سپتامبر ۱۹۹۵ (۲۰ تا ۲۴ شهریور ۱۳۷۴) در دانشگاه کمبریج انگلستان برگزار شد و حدود ۱۸۰ نفر از ایران‌پژوهان اروپایی و نیز محققان و دست‌اندرکاران و گردانندگان را از ایران و آسیای میانه و ژاپن و امریکاگرد هم آورد.

دومین کنفرانس ایران‌شناسی اروپا در سال ۱۹۹۱ در شهر دانشگاهی بامبرگ Bamberg (آلمان) برگزار شده بود و نخستین آن چهار سال پیش‌تر در شهر تورینو Turino (ایتالیا). با بروز تحولات ایران در سال ۱۹۷۹، شماری از ایران‌شناسان اروپایی در سال ۱۹۸۳ در شهر ژم‌گرد هم آمدند و انجمنی بنیاد نهادند که پژوهش‌های ایران‌شناسانه را، به دور از پست و بلند سیاست و رویدادهای روز، بر پای ننگه دارد و پیش ببرد، و همان‌جا بود که قرار فراهم آمدن ایران‌شناسان هر چهار سال یک‌بار در یکی از شهرهای اروپا گذاشته شد.

جلسه‌ی عمومی انجمن ایران‌شناسی اروپا نیز در دومین روزگرد هم‌آیی امسال برگزار شد.

کار علمی کنفرانس

در پنج روز کار کنفرانس، مقاله‌خوانی، هر روز در سه یا چهار شعبه، هم‌زمان، در هر شعبه در چهار جلسه‌ی صبح و عصر، جریان داشت. مقاله‌ها در زمینه‌های گوناگون ایران‌شناسی تهیه شده بود و در هر جلسه دو یا سه مقاله‌ی دارای ربط موضوعی ارائه می‌شد. آنچه در پی

می‌آید مروری است اجمالی بر مقاله‌هایی که در رشته‌های متنوع ایران‌شناسی عرضه شده بود.

باستان‌شناسی

در شعبه‌ی باستان‌شناسی مارتا ل. کارتر Martha L. CARTER، از امریکا، کوشید تا این فرضیه را به کرسی بنشانند که الهه‌ای که در بلخان (باکتریا) باستان «اوئشو» خوانده می‌شد همان است که در سرزمین هند «شیوا» نام داشت. وستا کرتیس Vesta Curtis، از موزه‌ی بریتانیا، درباره‌ی کمربندها و قلاب‌های کمر پارتیان سخن گفت. مقاله‌ی ریکا ژیزلن Rika Gyselen، از پاریس، هم درباره‌ی گویا و زیان‌دار بودن نقش‌های ساسانی بود. ماریا بروسیوس Maria Brosius، از آکسفورد، به تغییر نام دادن زنانِ دربارِ هخامنشی به گواهی سنگ-نشته‌های تخت‌جمشید پرداخت. فیروز باقرزاده یافته‌ی خود را درباره‌ی تصویر محاصره‌ی بم منقوش بر کاسه‌ی لعابی هفت رنگ محفوظ در نگارخانه‌ی Freer Gallery of Art در میان نهاد و گفت که رزمنده‌ای در این صحنه، که سفال‌ساز از او به نام امیر سابق‌الدین یاد کرده، در واقع علی صالح امیر قلعه‌ی بم است که پس از بیست سال، سرانجام در سال ۵۸۷ هـ. به فشار ملک دینار، فرمان‌روای عُز، امارت خود را وا گذاشت. سخن‌ران افزود که، با شواهد تاریخی نویافته، زمینه برای شناختن چهره‌ی دیگر پیدا در این نقش، که همان امیر نیروی به محاصره گیرنده‌ی قلعه باشد، و نیز قلعه‌ی در محاصره فراهم شده است. گیتی آذری، استاد دانشگاه کالیفرنیا در برکلی، سخن از نقشی داستانی بر یک سینی نقره‌ی بازمانده از روزگار ساسانیان به میان آورد. پرودنس ا. هارپر Prudence O. Harper، گرداننده‌ی بخش هنر خاورمیانه در موزه‌ی متروپولیتن نیویورک، درباره‌ی چهره نگاری‌های دایره‌وار دوره‌ی ساسانی که یادگار سده‌های سوم و چهارم میلادی شمرده می‌شود، گفت که سینی نقره‌ای که در خزانه‌ی ژاپنی‌هاست نشان می‌دهد که رواج این‌گونه نقش و نماها در اواخر دوره‌ی ساسانی شاید نتیجه‌ی مبادله‌ی وسیع فرهنگی میان روم و ایران و آسیای میانه باشد.

در زمینه‌ی فرهنگ و تمدن باستان، J. PSTRUSINKA از مؤسسه‌ی زبان‌شناسی خاوری هلند سخنی داشت در همانندی‌ها میان فرهنگ قدیم سلتی و فرهنگ پیش از اسلام در هندوکش.

آیین‌های باستان

بخش آیین‌های ایران باستان هم پربار بود. ایریس گولدیتس Iris Golditz، از آلمان، درباره‌ی

مسئله‌ی تغییر دین دادن و مجازات از متون مانوی نکته‌هایی گوش‌زد ساخت. شائول شاکد Shaul Shaked، از دانشگاه عبری بیت‌المقدس، درباره‌ی «الهی‌های ایرانی در معتقدات عامه در بابل دوره‌ی ساسانی مقاله‌ای جالب خواند و، در پی آن، به واژه‌های رایج در فارسی امروز که اصل اساطیری دارند (مانند «دودمان» که از «دیو» آمده است و در فرنگی Demon گفته می‌شود) اشاره کرد. آلبرت دو خونگ Albert de Jong، از دانشکده‌ی الهیات دانشگاه اوترخت هلند، به وصفی که در نوشته‌ی پلوتارخ، حکیم اخلاقی و تاریخ‌نگار یونانی، از آیین اهریمن‌پرستان در ایران اوستایی آمده است پرداخت. جیمز راسل Jamees Russell، از دانشکده‌ی مطالعات خاور میانه در هاروارد، مقاله‌ای داشت با عنوان «فرستاده‌ی اصحاب مانی نزد ارامنه». انریکو مورانو Enrico Morano، از ایتالیا، سخنی داشت درباره‌ی سرود تصلیب‌پارتی با عنوان شاعرانه‌ی «پادشاهی من این جهانی نیست». نیولی Ghernardo Gnoli، ایران‌شناس ایتالیایی، به «ملاحظات تازه در تاریخ برآمدن زردشت در منابع مانوی» پرداخت. ژینیو P. Gignoux، از فرانسه، مقاله‌ای با عنوان «Sasán, un dieu protecteur» (ساسان، خدای حمایت‌گر) عرضه داشت. بیوار B. Bivar، از انگلستان، هم از «بازتاب مهرپرستی در سده‌ی بیستم» سخن گفت. F. Vajifdar، از انگلستان، این پرسش را پیش کشید که «یسنای ۵۳ ساخته‌ی کیست؟»

زبان‌های ایرانی و فرهنگ مردم

در بخش زبان‌های باستانی، امریک Ronald E. Emmerick، از آلمان، به بررسی شماری از واژگان ختنی پرداخت. مائورو هاگی Mauro Haqqi، از ایتالیا، جنبه‌ای دیگر از زبان ختنی را بررسی کرد. آلموت هیتس Almut Hintze، از برلن، از زمینه‌های علم معانی در زبان ایرانی قدیم سخن گفت. مارتین شوارتز Martin Schwartz، از آلمان، هم درصدد ریشه‌یابی یک واژه‌ی حقوقی رایج در عهد ساسانیان برآمد. سخنان بدالزمان قریب درباره‌ی فرهنگ نو انتشار سغدی، که حاصل تحقیق و کوشش دیرپای این پژوهنده است، در مجلس علمی کمبریج جلوه کرد.

درباره‌ی دست‌نوشته‌های سغدی یافته شده در تورفان چین، دو پژوهنده از شرق و غرب سخن گفتند: کریستیانه رک Christine Reck، از آلمان، فهرست‌نگاری بخشی ازین نوشته‌ها را که در موزه‌ی برلن محفوظ است بررسی کرد و یوتاکا یوشیدا Yutaka Yoshida، از دانشگاه مطالعات خارجی کوبه‌ی ژاپن، به مرور در سه نامه‌ی مانوی به خط سغدی پرداخت. این

نامه‌ها، که در سالهای ۸۱-۱۹۸۰ در تورفان به دست آمده، میان روحانیان مانوی رد و بدل شده و از نیمه‌ی دوم قرن نهم و نیمه‌ی اول قرن دهم میلادی است. در نامه‌ی نخستین، که تبریک سال نو است، از اویغورخان و دربار او یاد شده است. نامه‌ی دوم گزارش گونه‌ای است از مراسم برگزار شده در ماه روزه‌داری. نامه‌ی سوم از نوع اخوانیات است و در آن از گیرنده خواسته شده است که به حدود ۲۰ نفر، که نام اویغور دارند، سلام برساند. نامه‌های اول و دوم مهر دارد؛ مهر نامه‌ی اول در محل چسبانده شدن دو برگ به هم جای دارد؛ مهر نامه‌ی دوم چهره‌ی مردی است میان چهار ستون که هر کدام کلمه‌ای است به خط مانوی. ترکیب نمادین و بخش‌های این مکاتیب همانند نامه‌های امروزی است.

چند پژوهنده نیز به فرهنگ مردم پرداختند. بدلخان، از ناپل ایتالیا، تغییر مضمون ترانه‌های زنان بلوچ مشرق مکران را بررسی کرد. فریدون وهمن، استاد مؤسسه‌ی زبان‌های خاوری دانش‌گاه کپنهاگ، مایه‌ها و مضمون‌های قدیم در آوازهای محلی بختیاری را پی گرفت. دکتر وان دن برگ G. P. VAN DEN BERG، از لیدن هلند، به نمونه‌هایی از شعر فارسی در بدخشان پرداخت و، به استناد نظر مری بویس Mary Boyce، آوازهای محلی امروزه‌ی بدخشان را باز مانده‌ی ترانه‌های ایرانی قدیم دانست.

تاریخ ایران پس از اسلام

تاریخ پژوهان این مجلس هم داستان‌ها از عهد مغول تا روزگار قاجاریان داشتند. بیرگت هوفمان Birgett Hofmann، از دانشگاه بامبرگ (آلمان)، سخنی شنیدنی آورده بود درباره‌ی طرح و تدبیرهای آبادانی شهر تبریز در دوره‌ی ایلخانان. وی از کارهای شاهان تازه مسلمان، مانند غازان که محله‌ی شنب یا شام را ساخت، و وزیران آنها، به ویژه خواجه رشیدالدین فضل‌الله و تاج‌الدین علیشاه، یاد می‌کرد. رشیدالدین محله یا شهرک بزرگی به نام ربیع رشیدی نزدیک تبریز بنیاد نهاد. از وقف‌نامه‌ی ربیع رشیدی، که از گزند حوادث ایام برکنار مانده، پیداست که رشیدالدین بزرگ‌ترین مالک این نواحی بوده و حتی در ششکلان تبریز املاک و اراضی داشته است. «ربیع رشیدی، که با بهره‌کشی از مردم و صرف هزینه‌ی گزاف و نیروی کار و مواد و مصالح بسیار ساخته شد، اهالی را در فشار گذاشت، و همان بهتر که به انجام نرسید و مایه‌ی سختی و زیان بیشتر برای مردم نشد». محسن ذاکری، از دانشگاه گوتته‌ی فرانکفورت، گفتاری داشت درباره‌ی عیاران خراسان مقارن حمله‌ی مغول. محمد ابراهیم باستانی پاریزی درباره‌ی تأثیر آسیای مرکزی در تشکیل حکومت‌های محلی در کرمان سخن

گفت. مرتضی نورایی، از دانشگاه اصفهان، به شهرهایی که پایتخت و مرکز فرمانروایی سلسله‌های ایرانی در سال‌های ۲۰۵ تا ۹۰۶ هـ. (از برآمدن طاهریان تا برآمدن صفویان) بوده است، پرداخت. ماریا سابتلنی Maria E. Subtelny، از بخش مطالعات خاورمیانه و اسلام دانشگاه تورنتو کانادا، سخنی شنیدنی در نظام وقف و رابطه‌ی آن با رونق کشاورزی در ایران دوره‌ی تیموری داشت. شیرو آندو، از دانشگاه کیوتوی ژاپن، شرح احوال تیمور را در منابع عربی بررسی کرد. ماریا زوپ Maria Szuppe، از دانشگاه علوم انسانی استراسبورگ فرانسه، کوشید تا احوال خراسان در روزگار تیموریان و صفویان را از شرح جواهرالغریب، تذکره‌ی احوال شاعرها ساخته‌ی فخری هروی، بشناساند. تیم وینتر Tim Winter، به مسلک اعتقادی عصر صفوی پرداخت. میشل برناردینی Michel Bernardini، از مؤسسه‌های خاورشناسی ناپل ایتالیا، شاهنامه‌ی اسماعیل ساخته‌ی گنابادی را به مطالعه درآورد. پوکو Z. Puko، از هلند، درباره‌ی فعالیت‌های یسوعیان هلندی در ایران و سرزمین‌های پیرامون در سده‌های هفدهم و هیجدهم مقاله‌ای عرضه داشت و یادآور شد که نگرانی عمده‌ی این مبلغان از بابت نفوذ اسلام به ممالک اروپا بود. این کشیش‌ها با زبان فارسی و آداب و رسوم مردم ایران و نیز نیات سیاسی پادشاهان لهستان خوب آشنا بودند و بسا که خود را نماینده‌ی سیاسی جا می‌زدند و به داد و ستد می‌پرداختند. اینان در ایران و نواحی نزدیک زیاد سفر می‌کردند و بسیاری از آنان سفرنامه و روزنامه از خود به جای گذاشتند. احسان اشراقی از احوال اجتماعی و سیاسی قزوین در دوازده ساله‌ی فترت میان مرگ شاه طهماسب و برنشستن شاه عباس اول سخن گفت و از قدرت نمایی زنان حرم در عصر صفویان یاد کرد. ماتی Rudi Mathee، از آمریکا، گفتاری داشت با عنوان دیپلماسی ایران در برابر عثمانی در دوره‌ی شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷-۱۱۰۵ هـ.).

بررسی‌کنندگان تاریخ روزگار نادر تا قاجاریان هم سهمی به‌سزا داشتند. رضا شعبانی، از دانشگاه تهران، از گروه‌های اجتماعی در دوره‌ی افشاریه سخن راند. کریستف ورنر Christoph Werner، از آلمان، به معانی گوناگون «وکیل» در ایران سده‌ی دوازدهم هجری پرداخت و گفت که این نه فقط عنوان مقام‌های متعدد که عنوان احترامی نیز بود، و به این نکته رسید که ابهام و گونه‌گونی معنای این واژه را می‌توان نمونه و نشانه‌ی ابهام و آشفتگی عنوان و اصطلاحات در نظام اداری ایران شمرد. سرور سرودی، از دانشگاه عبری بیت المقدس، با عنوان «تجدد و مسئله‌ی اقلیت‌ها در ایران سده‌ی نوزدهم» یک تنه به دیوان قضا رفت و در سوگ ستم‌کشی آل داود نشست، به میرزا آقاخان کرمانی تاخت و صادق هدایت را هم برای

اشاره‌هایش به حال و کردار این قوم گناه‌کار شناخت. دو پژوهنده‌ی آلمانی دو مقاله‌ی تحقیقی درباره‌ی تصویر ژاپن در میان ایرانیان مقارن سال‌های مشروطه‌خواهی ارائه کردند: بانو Anja Pistor-Hatam، زیر عنوان «تمدن و آموزش در ژاپن سده‌ی نوزدهم، والگو و نمونه شدن این کشور شرق دور برای تجدّد خواهان آسیا از جمله ایران»، و بانو هیگوچی R. Haqq-Hiquchi، از دانشگاه بامبرگ (آلمان)، در موضوع «ژاپن به منزله‌ی الگویی برای تجدّد ایران».

بانو حاتم، که درباره‌ی تجدّد در ایران و عثمانی تحقیق می‌کند، بیشتر به انعکاس تحول و رویدادهای ژاپن در روزنامه‌های فارسی زبان اختر، که میان سال‌های ۱۸۷۶ و ۱۸۸۶ در استانبول منتشر می‌شد، پرداخت و یادآور شد که این روزنامه، که مطالب خود را درباره‌ی ژاپن بیشتر از منابع اروپایی و عثمانی می‌گرفت، بر آن بود که آموزش و مطبوعات و راه‌آهن سه پایه‌ی تجدّد و ترقی ژاپن است. از گیراترین نوشته‌های اختر درباره‌ی ژاپن انعکاس گزارش یک هیئت نمایندگی است که به سفارت ایران آمده بود (نک. یوشیدا ماساهارو - نخستین فرستاده‌ی ژاپن به ایران دوره‌ی قاجار ۹۸-۱۲۹۷ هـ، ترجمه و تحقیق هاشم رجب‌زاده، نشر آستان قدس، ۱۳۷۳). این هیئت، در راه بازگشتش به ژاپن، در استانبول توقف کرد و مدیر روزنامه‌ی اختر مدعی شده که نسخه‌ای از گزارش آنها را به دست آورده است. این گزارش، چنان که در اختر آمده، دو نکته‌ی قابل توجه دارد: یکی این اظهار نظر که کشورهای آسیایی باید «حرکت» و «غیرت» در کار آورند تا بتوانند به تجدّد و ترقی برسند؛ دیگر انتظار و درخواست «اتحاد» و «اتفاق» از کشورهای آسیایی برای برآمدن با کارشکنی اروپا در راه پیشرفت آسیا. به این شرح می‌توان افزود که نکته‌ها بیش و کم همان است که یوشیدا، رئیس هیئت یاد شده، در بخش پایانی سفرنامه‌ی ایران خود آورده است (ص ۲۳۳ تا ۲۳۵، ترجمه‌ی فارسی). اما با انضباطی که ژاپنی دارد بعید می‌نماید که این هیئت رسمی، پیش از ارائه‌ی یافته‌هایش به دولت متبوع خود، گزارشی، به خصوص مکتوب، به دیگران، از جمله به روزنامه‌ی اختر، داده باشد، مگر این که در این کار از سیاست از پیش معین شده‌ی پیروی می‌کرده و این خود شایسته‌ی بررسی است. هیگوچی گفت که اخبار و گزارش‌ها درباره‌ی ژاپن در مطبوعات آسیایی، در هنگامه‌ی جنگ روس و ژاپن و پیروزی درخشان دریایی ژاپن در تنگه‌ی تسوشیما در ۱۹۰۵، به اوج رسید. یک اثر این گزارش‌ها دامن زدن به جنبش مشروطه‌خواهی ایران بود. اسطوره‌ای از ژاپن پرداخته شد که در ذهن و ضمیر مردم همان بود که ایران باید به آن برسد و باشد.

اسلام و تشیع

سخن از اسلام و تشیع و تصوف و مأخذشناسی آن ره آورد شماری از گردآمدگان این مجلس بود. رابرت گلیو Robert Gleave، از دانشگاه منچستر، با عنوان «تقدیس علما»، ضمن مرور قصص‌العلمای محمدبن سلیمان تنکابنی (وفات: ۱۳۰۴ هـ)، خاطر نشان ساخت که در اثر تنکابنی، بر خلاف دیگر کتاب‌های طبقات یا رجال شیعه، مانند روضات الجنات محمدباقر خوانساری و منتهی المقال ابوعلی، به بر شمردن نام و تاریخ زاد و مرگ و آثار علما و اقوال متقدمان اکتفا نشده، بلکه از روایات و حکایات شفاهی هم فراوان بهره برده شده و ابداع و استقلال سبک در کار آمده است. بانو کیلر Annabel Keeler، از دانشگاه کمبریج، مقاله‌ای درباره‌ی مفهوم «ظاهر و باطن» در کشف‌الاسرار و عده‌الابرار ابوالفضل رشیدالدین میبدی ارائه داد. در مقاله‌ی بانو کیلر تفسیر داستان ابراهیم (سوره‌ی ۶، آیه‌های ۷۶ تا ۸۱) از این کتاب به عنوان نمونه اختیار و به مرور تحقیقی و تطبیقی آن پرداخته شده است. دانیل پیترسون Daniel C. Peterson، از ایالات متحده‌ی آمریکا، فلسفه‌ی حمیدالدین کرمانی، از داعیان فاطمی اسماعیلی، را بررسی کرد. حمیدالدین، هر چند در اثر خود مقولات ده‌گانه‌ی فارابی را دنبال کرده، در جایی در صدد ردّ الگوی نو افلاطونی او از تجلّی برآمده است. «بررسی طبقات الصوفیه‌ی خواجه عبدالله انصاری از دیدگاه ادبی»، «مایه‌ی عرفانی جان و جهان در شعر الهی مولانا و شبستری»، «تولد تازه‌ی انسان در شعر روشن‌گر مولانا»، «مایه‌ی قرآنی تعبیر صوفیه از موسیقی» از دیگر مقاله‌های عنوان شده در زمینه‌ی تصوف بود. نیز، لویسون Leonard Lewisohn، از لندن، احوال خواجه محمدبن صادق بن محمد کجوجی یا کجوجانی (وفات: ۶۷۷ هـ) در کتاب تاج‌الدین حسن بن حمزه‌ی پلاسی شیرازی به عربی را، که به قلم نجم‌الدین طارمی با عنوان تذکره‌ی شیخ محمدبن صادق الکجوجی در ۸۱۱ هـ به فارسی در آمده است، بررسی کرد. لاندولت Herman Landolt، از سویس، و لوید ریجن Leoyd Ridqeon، از انگلستان، هم از عزیز کسفی، صوفی قرن هفتم هجری سخن به میان آوردند. اولی در باب آزاد اندیشی او و دومی درباره‌ی گزیده‌ی آثارش. بر هار J. G. J. Ter Haar، از بخش ایران‌شناسی دانشگاه لیدن هلند، نیز به مایه و پایه‌ی تقار میان شیعیان و نقشبندیان پرداخت. مبحث تعزیه‌داری و تعزیه‌خوانی هم جای خود را داشت. ژان کالمار Jean Calmar، از فرانسه، مقاله‌ای متین و تحقیقی عرضه کرد درباره‌ی نخستین نوشته‌های فارسی در بیان مصیبت کربلا. بانو توموکو یاماگیش، از ژاپن، به مطالعه‌ای در مقاتل (کتاب‌های شرح شهادت امام حسین، علیه‌السلام) پرداخت، با اشاره‌هایی به روضه‌خوانی و تعزیه و رواج

گرفتن مراسم عزاداری در دوره‌های محمدشاه و ناصرالدین شاه قاجار. جهانگیر دُری، از مسکو، و کامران اقبال، از دانشگاه روه‌ر آلمان، به ترتیب، درباره‌ی احوال بهاییان در روسیه و در تاریخ ساخته شدن اوایل کتاب اقدس بهاء‌الله مقاله داشتند.

علم و هنر در ایران

در بخش علوم، سه مقاله‌ی تحقیقی پرمایه در یک جلسه ارائه شد: تورکن S. Tourkin، از مؤسسه‌ی مطالعات خاوری پترسبورگ روسیه، درباره‌ی رسایل منسوب به ابومعشر بلخی در نسخه‌ی خطی محفوظ در آن مؤسسه بحث کرد. بانو ژیو وزل Ziva Vesel، استاد مؤسسه‌ی مطالعات ایرانی پاریس، به سیاست‌های فرهنگی در قبال علوم پرداخت و از رسم و راه خوارزمشاهیان سخن گفت. «ترجمه‌ی فارسی رساله‌ی منسوب به ارسطو از قرن‌های ۱۸ و ۱۹» عنوان مقاله‌ی مشترک خانم مرجان مشکور و سعید میرمحمد صادق بود که بانو هایدی لاله آن را به زبان فرانسه خواند: «کتاب بیطار نامه من تصانیف حکیم الاعظم ارسطاطالیس... اسکندر ذوالقرنین از ولایت روم خراج گرفت و کیش و بحرین و خراسان را با توابع در فرمان آورد و به شهر بلخ رسید (و طاعون اسبی در افتاد)... در آن زمان، ارسطاطالیس حکیم در آنجا حاضر نبود. چون خبر این طاعون به سمع او رسید، این کتاب را تصنیف کرد و به خدمت اسکندر فرستاد... و سبب این شد که این کتاب را بیطارنامه نام نهادند».

در بخش هنر ایران، بانوان میدان‌دار بودند. جلسه‌ای به سخنرانی سه بانوی هنرشناس ممتاز اختصاص یافت: کارین روردانگ Karin Ruhrdang، از بخش هنر دانشگاه پنسیلوانیا، درباره‌ی احیای نقاشی مینیاتور در آسیای مرکزی در پایان سده‌ی نوزدهم؛ ملیکیان شیروانی، از پاریس، در معرفی گزیده‌ی آثار فارسی نعمت‌الله، شاهزاده‌ی ازبک؛ و اشرفی، همسر هنرشناس کمال‌الدین عینی، از تاجیکستان، درباره‌ی مکتب مینیاتور سمرقند سخن گفتند. بانو رایت Elaine Wright به معرفی نسخه‌های خطی منقوش و مذهب، که در دهه‌ی ۴۹-۸۳۹ هـ در شیراز کتابت شده است، پرداخت. در این آثار، سبک تذهیب و نوع تازه‌ای از کاغذ به کار رفته است. در این سال‌ها، کتابت دیگر متمرکز در دربارها نبود و افزایش هم در شمار نسخه‌ها پدید آمد. این تغییرها نه فقط در مقایسه با دوره‌های پیش و پس از آن که در قیاس با مکتب کتابت و کتابت آرابی هرات نظرگیر بود. بانو باربازا برند Barbara Brend، از لندن، نیز در مقاله‌ای با عنوان «مردمان ریزنقش» به چهره‌های تصویر شده در مینیاتورهای

ایران پرداخت. رایا شانی *Raya Shani*، از بیت‌المقدس، «عشق عرفانی در تصویرگری ایران» را بررسی کرد؛ و *Lisa Golombek*، از موزه‌ی شرقی تورونتو (کانادا) از کاشی‌های سده‌های نهم و دهم هجری ایران سخن گفت.

در زمینه‌ی فنون و صنایع دستی ایران، جیمز آلان *James Allan*، از موزه‌ی آشمولین *Ashmolean* آکسفورد، صنعت فولاد کاری ایران در سده‌های یازدهم تا سیزدهم هجری را بررسی کرد و آنت ایتیگ *Annette Imtq*، از آکسفورد، به وضع کنونی زیلوبافی در یزد پرداخت.

تاریخ ادبیات

در سخن از ادب فارسی، پژوهندگان اروپایی گوی سبقت ربودند. *J. T. P. de Bruijn*، از هلند، به بررسی نام و تخلص شاعران فارسی‌گوی پرداخت. اورساتی *P. Orsatti*، از ایتالیا، درباره‌ی ممدوحان انوری سخن گفت. اسکالموسکی *Wojeiech Skalmowski*، استاد بلژیکی، از طنز و لطیفه در غزل‌های مولوی سخن گفت. بورگل *J. C. BURGEL*، از مؤسسه‌ی اسلام‌شناسی برن (سوئیس)، درباره‌ی شماری از منابع اسکندرنامه‌ی نظامی سخن راند. فریدون هدی زاده، از تاجیکستان، مقاله‌ای عرضه داشت با عنوان «جهان به مثابه‌ی کاروان در نثر زیبای فارسی، به ویژه در آثار مقامه‌نویسان». *P. O. Skjaerov*، از دانشکده‌ی مطالعات خاور نزدیک هاروارد، سخنان سنجیده و متینی درباره‌ی «سنت‌های شفاهی ایران» ایراد کرد. چارلز میلویل *Charles Melville*، استاد دانشگاه کمبریج و گرداننده‌ی سومین کنفرانس ایران‌شناسی اروپا، خود مقاله‌ای جالب ارائه داد با عنوان «ظرفنامه‌ی مستوفی و تاریخ‌نگاری در اواخر دوره‌ی ایلخانان». بانو مانز *Beatrice F. Mans*، استاد تاریخ دانشگاه *Tuft's* آمریکا، درباره‌ی سهم تاریخ‌نگاری‌های محلی (در فارس، خراسان و ماوراءالنهر) در روایت و ثبت رویدادهای اواخر دوره‌ی مغول و عهد تیموری سخن گفت. احسان طغیانی به بررسی اندیشه‌ی دینی در شعر دوره‌ی صفوی پرداخت و گفت که در شعر پیش از صفویه، مانند سروده‌های مولانا و حافظ و نظامی و جامی، تفکر ناب اسلامی پیداست، اما شعر روزگار صفویان از مایه‌ی اندیشه‌ی شیعی تهی است. دکتر نصرت‌الله رستگار، از مؤسسه‌ی ایران‌شناسی اتریش، نیز مقاله‌ای داشت در بررسی کتب رجال و درجه‌ی صحت مطالب آنها. *Michael Glunz*، از بخش خاور نزدیک دانشگاه واشنگتن، از «حُسن و دل» ساخته‌ی فلاحی و از شعر تغزلی سخن گفت. بیلارت *A. L. F. Beelaret*، از لیدن (هلند)، همّت و تصویر آن

در شعر کهن فارسی را بررسی کرد. گفتنی است که کلمه‌ی «هَمَّت»، که مفهومی عمیق و عارفانه دارد، فقط در غزل‌های حافظ، چهل و سه بار آمده است (صدیقیان، فرهنگ و واژه‌نمای حافظ).

فراگنر Bert G. FRAGNER، استاد فارسی‌دان مسلط دانشگاه بامبرگ (آلمان)، سخنی داشت در بررسی ادب فارسی و کتاب‌های تاریخ ادبیات ایران.

به آثار ادیبان یهودی ایران هم پرداخته شد. نتزر AMNON NETZER، از دانشگاه عبری بیت‌المقدس، از شیرو و مهرزاد، دلدادگان قهرمان اردشیرنامه، سروده‌ی شاهین، شاعر یهودی ایرانی سده‌ی هشتم هجری، سخن گفت. در این داستان، که نیمی از کتاب شش هزار بیتی او را در بر گرفته است، شیرو و فرزند اردشیرشاه و برادر ناتنی کورش (کبیر) است و مهرزاد شاه‌دخت چینی. شیرو و مهرزاد در کاخی نقره‌ای، که ساخته‌ی دست خورنگ، نام‌ورترین معمار روی زمین است، به کامرانی می‌گذرانند تا پس از زاده شدن پسرشان، مهیار، شیرو یاد یار و دیار می‌کند و آن سه به نیروی جادو به ایران می‌رسند. شیرو از دیدار پدر و برادر شادمان است، اما در یکی از شکارها به چاهی می‌افتد و روزگارش به سر می‌رسد.

زبان فارسی و زبان‌شناسی

در بخش زبان فارسی، چند تن از ادب‌شناسان اروپا و ایران مجال سخن داشتند. اِلا فیلیپونی Ella Filipponi، از مؤسسه‌ی خاورشناسی ناپل ایتالیا، ترکیب نام چیزهای با کیفیت خاص، مانند کوچک یا گِرد یا جذاب، را در زبان‌های ایرانی بررسی کرد. فرانسوا دوبلوا François de Blois، از لندن، درباره‌ی اشتقاق و فرهنگ‌نویسی فارسی سخن گفت. بانو یرمیش JEREMIAS، استاد بخش ایران‌شناسی دانشگاه بوداپست، گفتار‌گیری داشت درباره‌ی دستور زبان فارسی و دل‌آگاهی زبان‌شناسانه در آن. موضوع سخن مانفرد لورنس Manfred Lorenz، استاد آلمانی، ادات در گویش امروزی تاجیک بود. کمال حاج سیدجوادی با لحنی گیرا و سخنی پر محتوا از روش‌های تعلیم زبان فارسی در شبه‌قاره در دوره‌ی مغول یاد کرد و مراکز آموزش فارسی را در آن سرزمین چنین برشمرد: مدرسه‌ها، خانه‌ی استاد، دارالترجمه‌ها، کتاب‌خانه‌ها (به ویژه گنجینه‌ی کتب سلاطین، مانند اکبرشاه)، و مراکز هنری - خاصه آنها که از آن دیار بود. آموزش فارسی در این روزگار بسیار پیش‌رفته و به روش علمی بود. نخست الفبا را، با تکیه بر آواشناسی، می‌آموختند؛ سپس نحوه‌ی اتصال حروف و شناخت بخش‌های کلمه را. آن‌گاه لغات را از راه دستور زبان یاد می‌دادند. برای

این کار، کتاب‌هایی داشتند به نام «آمد نامه» یا «آمدن نامه» (آمدم، آمدی، آمد... و صرف دیگر افعال). اولین دستور زبان فارسی در شبه قاره‌ی هند نوشته شد (از ابتدای سده‌ی یازدهم هجری). پس از آشنا شدن با دستور زبان و افعال، دانش‌جو به نظم و نثر می‌پرداخت. در این زمینه، ده‌ها کتاب انشانویسی نوشته شده که مانده است. کتاب‌هایی هم با عنوان «مینا بازار» تألیف شده است که نثر پیچیده دارد و حاوی اشعار سبک هندی است. «مینا بازار» نام بازار و گذری بود که زن‌ها در آن مغازه داشتند و دانش‌جوها، با گشت و گذار در آن، با واژه‌های هرچه بیشتر آشنا می‌شدند. به روایت شیخ نورالحق، در قرن یازدهم هجری در دهلی کسی نمایشی سیار، سیرک مانند، از وحوشی چون شیر و فیل و حیوان‌های دیگر ترتیب داده بود که شهر به شهر می‌رفت و مردم را تشویق می‌کرد که، با دیدن این حیوان‌ها و نمایش‌ها، غزلی از حافظ بخوانند. این هم راهی برای رواج شعر و ادب فارسی در شبه قاره بود. مجموعه‌های انشا در دوره‌ی مغول عنوان مقاله‌ی پاول یورگن Paul Jürgen، از آلمان، بود که گفت: دست‌نوشته‌های ارزنده‌ای از این مجموعه‌های ترسل در کتاب‌خانه‌های ترکیه و آلمان هست و نیز نسخه‌ی ارزنده‌ای در کتاب‌خانه‌ی پترسبورگ با قطعه‌هایی که انشای شمس‌الدین محمد و برادرش عظاملک جوینی است. علی‌اصغر شعر دوست، از ایران، درباره‌ی زبان فارسی در ناحیه‌ی قفقاز سخن گفت و از دشواری‌های امروزی در تماس با بعضی کشورهای این منطقه و افق روشنی که زبان فارسی در آن دارد یاد کرد. بانو Kinga Macuszak، از مؤسسه‌ی زبان‌های خاوری کراکوف (لهستان)، گویش ایرانی الموت و ویژگی‌های واژگانی آن را بررسی کرد و ریشه‌ی واژه‌هایی از این گویش را، که از پهلوی آمده و بن‌واژه‌ی کلمه‌های هم‌معنی در زبان‌های اروپایی شده است، برشمرد.

ادبیات امروز

سخن از ادبیات امروز در قلمرو زبان فارسی نیز به میان آمد. کمال‌الدین عینی، چهره‌ی آشنای تاجیکستان، از آنچه زیر و بالای روزگار و سیاست‌های روز با ادبیات تاجیک در قرن بیستم کرده است گفت. وی مژده داد که بنای تازه‌ی آرامگاه رودکی در پنج‌رود با همت ایران و مصالحی که از ایران می‌آید ساخته خواهد شد. میکائیل زند، از بخش مطالعات آسیایی-افریقای دانشگاه عبری بیت المقدس، نوشته‌های متقدم عبدالرئوف فطرت بخارایی (۱۳۰۴ هـ / ۷-۱۸۸۶ م بخارا - ۱۹۳۸ اعدام در تاشکند)، از چهره‌های درخشان سیاست و فرهنگ آسیای مرکزی در اوایل سده‌ی کنونی، را بررسی کرد و به دو اثر مشهور فارسی متقدم او

پرداخت: مناظره‌ی مدرّس بخارایی با یک نفر فرنگی در هندوستان درباره‌ی مکاتبِ جدید: حقیقت نتیجه‌ی تصادمِ افکار است (۱۳۲۷/۱۹۱۰)، و بیانِ سیاحِ هندی (۱۳۳۰/۱۹۱۲). این نوشته‌ها در شکل دادن به اندیشه‌ی اسلامیِ تجدد‌گرا در آسیای مرکزی و جریانِ ادبِ فارسیِ تاجیکی در این خطه زمینه‌ساز بود. مقاله‌ی ایزابل شتومپل Isabel Stümpel، از آلمان، به محیط و احوالِ زنان در آینه‌ی رمانِ طوبی و معنای شب، اثرِ شهرنوشِ پارسی‌پور، پرداخت. خانمِ آنا کراسنولسکا Anna Krasnowolska، از مؤسسه‌ی زبان‌های خاوریِ کراکوف (لهستان)، الگوهای افسانه‌ای-حماسی را در ادبِ معاصرِ ایران بررسی کرد. محمد جعفرِ یاحقی سخنی پرشنونده داشت در تصویرِ حال‌وکارِ زنان در ادبیاتِ امروزِ ایران. پل میچل Paul Mitchell، از دانشکده‌ی مطالعاتِ خاوریِ کمبریج، آثارِ ضدِ جمهوریِ میرزاده‌ی عشقی را بررسی کرد. علی دهباشی، سردبیرِ کلک، با معرفیِ مجله‌های ادبیِ ایران در سال‌های ۱۹۰۶-۱۹۹۵، برای گروهی انبوه و مشتاقِ سخن از ادبِ معاصر را به پایان آورد.

ایران و آسیای میانه‌ی امروز

از تاریخ، سیاست، اجتماع و اقتصادِ امروزه‌ی ایران هم سخن‌هایی به میان آمد. علی صناعی، از دانشگاهِ اصفهان، درباره‌ی اقتصادِ ایران میانِ سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ هجری شمسی مقاله‌ای عرضه داشت. حاجی‌المحمدی، از دفترِ صدا و سیما، جمهوریِ اسلامیِ ایران در لندن، گفتاری داشت در «انقلابِ ایران و تمدنِ غرب». در میان پژوهندگانی که در روی داده‌های معاصرِ ایران مقاله آورده بودند، تورج اتابکی، استادِ دانشگاهِ اوترخت (هلند) و محققِ تاریخِ معاصرِ ایران و آسیای مرکزی، «هوادارانِ عثمانی، بلشویک‌ها و دموکرات‌ها در ایران در سال‌های جنگِ جهانی اول: مطالعه‌ای در ترکیبِ قومی و ناسیونالیسمِ رمانتیک» را عنوانِ سخن خود قرار داد. بانو آنژ دوویکتورANGES DEVICTOR، از فرانسه، سینمای ایران بعد از انقلاب را بررسی کرد. فیلیپ ژوشار Philippe Rochard، به وضعِ کنونیِ زورخانه پرداخت و گفت که در تهران حدود ۵۰۰۰ زورخانه کار هستند و درجاتی دارند از نوجوان و جوان و مرد و پیش‌کسوت تا... بیشتر آن‌ها از مردمِ متوسطِ جامعه‌اند و آداب و رفتارِ خاصِ خود دارند، مانند تعارفِ بیش از اندازه به یک‌دیگر در تقدّم دادن در ورود.

بررسیِ حال و روزگارِ آسیای مرکزی بر محورِ افغانستان بود. کوشف V. KUSHEV، اطلاعاتِ تازه‌ای درباره‌ی قبایلِ خَتک و یوسف زی از خلالِ دستار نامه، اثرِ خوشحال خانِ خَتک، تاریخِ مرصع اثرِ افضل خانِ خَتک و تاریخِ الابرار و الاسرار اثرِ آخوند دروازه فراهم آورده

بود. سرگی آندریف Sergei Andreyev، از آکسفورد، درباره‌ی آغاز فرهنگِ مدونِ پشتون و نهضتِ روشنیه سخن گفت. باوئر E. Bauer، از آلمان، احوالِ مردمِ پشتون و جا به جاییِ آنها را در شمالِ پاکستان بررسی کرد. چنگیز پهلوان نگاهی منتقدانه و عالمانه داشت به اهمیتِ حرکتِ جمعیت در منطقه و قضیه‌ی پناهندگان از افغانستان در ایران. سخن‌ها بسیار بود و مجال اندک.

گر بریزی بحر را در کوزه‌ای

چند گنجد قسمتِ یک روزه‌ای



سومین کنفرانس زبان‌شناسی

دانشگاه علامه طباطبایی و پژوهش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سومین کنفرانس زبان‌شناسی را در روزهای پنجم و ششم اسفند ۱۳۷۴ برگزار می‌کنند. بدین مناسبت، از همه‌ی متخصصان، محققان، استادان و صاحب‌نظران دعوت شده است که با ارائه‌ی مقالاتِ خود در کنفرانس شرکت کنند.

موضوع مقالات نحو، معنی‌شناسی، کاربردشناسی، نظام آوایی زبان، ساختِ واژه، تحلیلِ کلام، گویش‌شناسی، زبان‌شناسی و ادبیات، آواشناسی، مسائل تاریخی زبان، فرهنگ‌نگاری، زبان‌شناسی کاربردی، جامعه‌شناسی زبان، روان‌شناسی زبان، عصب‌شناسی زبان، زبان‌شناسی رایانه‌ای، هوش مصنوعی تعیین شده است.

